

بررسی طراحی آموزشی با تکیه بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

شهرزاد تیموری سلطانی^۱

چکیده

طراحی در لغت به معنای اختراع کردن، اندیشیدن یا تنظیم یک نظریه ذهنی، ترسیم، ساختن و آماده کردن پیش نویس یک نقشه، اختصاص دادن یا بکارگیری منابع برای دستیابی به یک هدف، و سرانجام تهیه یک نقشه کاری برای حصول آنچه که از پیش تعیین شده است. طراحی آموزشی را می توان بر اساس تعاریف فوق تهیه نقشه های مشخص در مورد چگونگی دستیابی به هدفهای آموزشی تعریف کرد؛ هدف از پژوهش حاضر که به روش کیفی و شیوه توصیفی تدوین شده است؛ بررسی طراحی آموزشی با تکیه بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می باشد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که به طور کلی در یک طراحی آموزشی، ابتدا باید واحد یادگیری انتخاب شود. سپس اهداف در قالب شایستگی نوشته شود. پس از آن ملاکهای ارزشیابی و سنجش را مشخص کنیم. ۱۲ مولفه دیگر باقی می ماند که با توجه به سناریوی آموزشی مورد نظر، در هر واحد یادگیری از چند تا از این مولفه ها در طراحی آموزشی استفاده می کنیم.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش، سند تحول بنیادین، طراحی آموزشی.

^۱. کارشناس ارشد ریاضی کاربردی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

از تدریس، همانند یادگیری، تعریفهای مختلفی ارائه شده است. بعضی، تدریس را «بیان صریح معلم درباره آنچه باید یاد گرفته شود» می دانند و گروهی دیگر تدریس را «همورزی متقابلی می دانند که بین معلم، دانش آموز و محتوا در کلاس درس جریان دارد.» عدّه ی زیادی از مربیان و متخصصان آموزش و پرورش، تدریس را «فراهم آوردن موقعیت و فرصتهایی که یادگیری دانش آموزان را تسهیل کند»، نامیده اند. از بررسی مجموعه ی تعاریف ارائه شده می توان نتیجه گرفت که «تدریس، فعالیتی تعاملی و منظم و هدفمند بین معلم و دانش آموز به منظور تسهیل یادگیری است.» (شعبانی، ۱۳۸۲). ما در عصر اطلاعات زندگی می کنیم. عصری که نیازمندی‌های جدیدی را در همه‌ی عرصه‌ها بر انسان تحمیل کرده است. صنعت آموزش نیز از این قاعده مستثنا نبوده و پیشبرد اهداف آن با اتکا به روش‌ها و نظریات قدیمی دیگر امکان‌پذیر نیست. درست به همین دلیل، رشته‌ای به نام **طراحی آموزش** در دهه‌های اخیر در همه‌ی سطوح آموزشی در دنیا مطرح شده است. طراحی آموزشی شاخه‌ای از علم آموزش با هدف طراحی تجربیات موفق آموزشی است. در طی فرآیند طراحی آموزشی، مواردی مانند بهترین روش تدریس، مواد درسی و تکنولوژی‌های کمک آموزشی برای تدریس بهینه‌ی یک موضوع یا دوره‌ی آموزشی تعیین می‌شوند. هدف اصلی نیز این است که چارچوب‌ها و المان‌های آموزش به‌گونه‌ای انتخاب شوند که بهترین کمک را به تحقق اهداف آموزشی بکنند. به‌عنوان مثال، یک طراح آموزشی تصمیم می‌گیرد که بهترین منابع برای یک دوره از میان کتاب‌ها، فیلم‌ها، سایت‌ها، بازی‌ها و غیره کدام‌ها هستند. او می‌تواند ترکیبی از منابع را با درصدهای مشخص در ساختار آموزشی خود بگنجانند.

پیشینه پژوهش

امیری و امیری (۱۴۰۳) در تحقیق خود با عنوان «ضرورت‌های طراحی آموزشی» به این نتایج رسیدند که یک طرح درس اصولی، افزایش شاخص یادگیری در کلاس است. معلم قطعاً زمان‌های بیشتری را به مطالب دشوار اختصاص داده و می‌تواند برای ارائه ی بهتر و قابل فهم تر آن‌ها برنامه ریزی کند. این امر بستری را برای تدریس سازمان یافته و منظم و با اطمینان از پوشش همه ی موارد درسی فراهم می‌آورد که درعین حال، معلم می‌تواند در آن، خلاقیت خود را نیز به بوتّه ی آزمایش بگذارد. به این ترتیب او قادر خواهد بود با تکیه بر دانش و تجربه ی خود، طرح درسی منحصر به فرد، کارآمد و با بازدهی بالا داشته باشد. یک طرح درس موفق و دقیق به معلم کمک می‌کند که از مشارکت فعال

همه ی فراگیران اطمینان حاصل کند. در واقع او از این طریق می تواند به فراگیران خود وظایف لازم را سپرده و عملکرد آن ها را نه فقط در آزمون ها، بلکه در کلیه ی فعالیت های کلاسی زیر نظر بگیرد. همچنین به برگزاری آزمون های برنامه ریزی شده، هدفمند و با مواد درسی مشخص نیز کمک می کند.

شمس‌الدینی (۱۴۰۳) در تحقیقی با عنوان « تبیین اهمیت مداخله ای آموزش چند رسانه ای در ساختار طراحی آموزشی» به این نتیجه رسید که نظریه های آموزشی و یادگیری در قالب چهار رویکرد رفتارگرایی/شناخت گرایی/ساخت گرایی و ارتباط گرایی قابل بررسی هستند. استفاده از چندرسانه های آموزشی به ما کمک می کند بتوانیم مفاهیم را بهتر یاد بگیریم. چندرسانه ها که ترکیبی از متن، تصویر، انیمیشن، صدا است برای ویژگی های تمام کننده یادگیرنده را در آموزش و یادگیری فراهم می سازد. در مدارس هوشمند معلمان برای [تدریس](#) مطالب درسی و افزایش میزان درک دانش آموزان از مطالب ارائه شده و تشویق آن ها به فراگیری دروس از اسالیده های آموزشی، نرم افزارهای آموزشی، بازی های رایانه ای، انیمیشن و دیگر محتوای چندرسانه ای در کلاس های درس بهره می برند.

فرخزاده (۱۴۰۳) در پژوهش خود با عنوان «هوش مصنوعی و طراحی آموزشی نوین» به این نتیجه رسید که هوش مصنوعی به عنوان یکی از فناوری های پیشرو در عصر حاضر، تحولات گسترده ای را در حوزه های مختلف از جمله [طراحی آموزشی](#) به وجود آورده است. این مقاله مروری به بررسی نقش [هوش مصنوعی](#) در [طراحی آموزشی](#) نوین می پردازد و تاثیر آن بر بهبود فرآیندهای یادگیری، شخصی سازی آموزش، و افزایش تعامل یادگیرندگان را تحلیل می کند. با استفاده از فناوری هایی مانند یادگیری ماشین، پردازش زبان طبیعی، و سیستم های توصیه گر، [هوش مصنوعی](#) قادر است محتوای آموزشی را به صورت پویا و متناسب با نیازهای فردی یادگیرندگان ارائه دهد .

منصوری جمشیدی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان « بررسی نقش طراحی آموزشی در سند تحول بنیادین جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسیدند که با توجه به اینکه سند تحول بنیادین واحد درسی ای است که در دانشگاه ها تدریس می شود و به دنبال آنیم تا تاثیر [طراحی آموزشی](#) را در اجرایی شدن سند تحول بنیادین و یا یادگیری آن بسنجیم. و راهکارهایی را نیز برای اجرایی شدن این سند و نقش [طراحی آموزشی](#) در آخر داده شده است. در این مقاله سعی شده است تا جایگاه و اهمیت سند تحول بنیادین و [طراحی آموزشی](#) به خوبی بیان شود تا خواننده بیشتر با آن آشنا گردد.

یافته‌ها

در سند برنامه درسی ملی، معلم به عنوان :

- الگوی امین و بصیر
- آگاه به ظرفیت های وجودی دانش آموزان
- خالق فرصت های تربیتی و آموزشی

- زمینه ساز رشد دانش آموزان
- راهنما و راهبر فرآیند یادگیری
- مسئول برنامه های درسی و تربیتی
- یادگیرنده و پژوهشگر

معرفی شده است . در اسناد بالا دستی تمامی این موارد از معلمین تمام مقاطع مورد انتظار است . چگونه می توان تنها با کتاب درسی ، تمام این تعاریف محقق شود؟! در این خصوص می توان از الگوی سه ضلعی ارتقای یادگیری استفاده کرد تمام آنچه معلم نیاز دارد که در کلاس درس خود تدوین کند تا دانش آموزان به توانمندی های لازم برسند در این مدل طراحی شده است .



اولین و مهمترین ضلع الگو که قاعده مثلث را تشکیل می دهد طراحی آموزشی است . این ضلع در برگیرنده مهمترین اقدامات و مراقبت هایی است که به شکل گیری فرآیند موثر یادگیری منجر می شود . برای هر واحد یادگیری نیازمند یک طراحی آموزشی هستیم و تفاوت طراحی آموزشی با طرح درس ای است که در طراحی آموزشی ، یک واحد یادگیری که ممکن است تدریس آن چندین جلسه آموزشی را به خود اختصاص دهد موضوع کار است ولی طرح درس ، معمولاً اقدامی محدود تر است و برای یک جلسه درس تنظیم می شود .

چهارده مولفه های طراحی آموزشی عبارتند از :

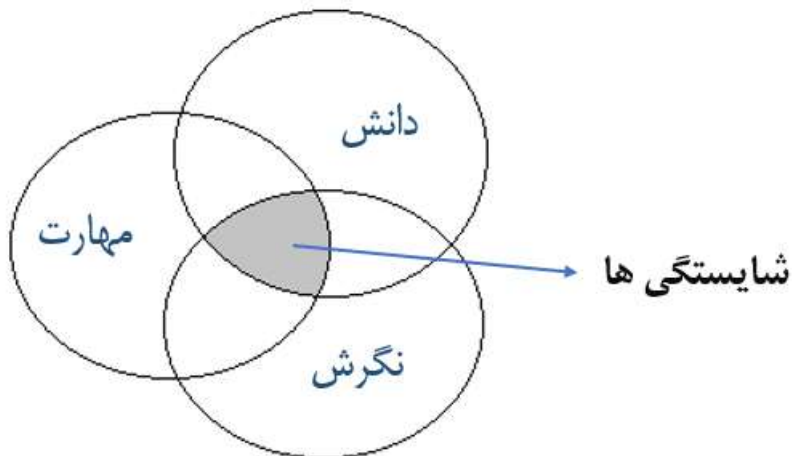
- نوشتن هدف در قالب شایستگی
- طراحی دقیق، رشد دهنده، تدریجی، سیر منطقی، پله های ارزشمند و قابل دستیابی

- شروع خوب
- احصای پیش دانسته ها
- انتخاب الگوی تدریس
- یادگیری فعال، تولید مفهوم توسط یادگیری
- یادگیری مشارکتی، اجتماعی و گروهی
- سطوح بالاتر یادگیری
- کاربرست آموخته ها در موقعیت جدید
- توجه به تفاوت های فردی
- رویکرد تلفیقی
- جلوه ارائه و ارزشیابی
- فعالیتهای خارج از کلاس (کلاس معکوس)
- فراشناخت

که به اختصار هر یک را توضیح می دهیم.

نوشتن هدف در قالب شایستگی

آنچه در اینجا از شایستگی تعریف میشود بر گرفته از شش ساحت سند تحول بنیادین است . در طرح درس ها اهداف کلی و جزئی می نویسیم . اهدافی از جنس دانش ، مهارت و یا نگرش؛ و در پایان تدریس به آنها می رسیم . اما برنامه درسی ملی با تعریف ساحت ها و انتظارات عملکردی که از جنس شایستگی مطرح نموده به ما کمک می کند تا اهداف را شایسته کنیم . در واقع در طراحی آموزشی ، نیازی به نوشتن چند هدف نیست فقط باید یک هدف بنویسیم که چند ساحتی و قابل سنجش باشد. شایستگی ها فصل مشترک اهداف دانشی ، مهارت هایی که دانش آموزان کسب می کنند و نگرشهایی است که به آنها می رسند .



می توان از نیازها و چالش برای نوشتن هدف از نوع شایستگی استفاده کرد .
 ما نیاز هایی در زندگی داریم ، به عنوان مثال : دانش آموزان کم حوصله هستند، مسئولیت پذیر
 نیستند ، کار گروهی به خوبی انجام نمی دهند و از طرفی چالش هایی داریم برای مثال : بچه ها
 نسبت به محیط زیست احساس مسئولیت نمی کنند ، در خانواده نسبت به پدر و مادر و احترام به
 آنها بی توجه هستند و ...

می توانیم نیازها را به مهارت ها پیوند دهیم و چالش ها را به نگرشها و از تلفیق آنها ، هدف از
 جنس شایستگی بنویسیم .

برای مثال در ریاضی تولید مفهوم یک رادیکان توسط خود دانش آموز ، هدفی از نوع شایستگی
 است.

قبل از کلاس درس با در نظر گرفتن تمام جوانب و مطالب باید برنامه ریزی دقیق انجام شود و با
 آمادگی کامل در کلاس درس حاضر شویم.مراحل آموزش را مرحله مرحله و پله پله طراحی کنیم و
 باید این پله ها به گونه ای طراحی شود که نه آنقدر زیاد و بلند باشد که دانش آموز در پیمودن آنها
 ، احساس ناتوانی کند و نه آنقدر کوتاه و کم باشد که دانش آموز احساس کند با بالا رفتن از آنها کار
 مهمی انجام نداده است و آنها را پیش پا افتاده تلقی کند .

شروع خوب

اینکه یک درس چگونه شروع شود و در این شروع ، چه باید کرد که فعالیت یادگیری بسیار جذاب باشد مهم است. تمام خلاقیت خود را به کار بگیریم تا هر جلسه یادگیری با یک شروع خوب همراه باشد. شروع باید هدف پنهانی داشته باشد که ذهن بچه ها درگیر کند . به قول گاندی ، یک شروع خوب نیمی از موفقیت است . یک شروع خوب باید جذاب باشد ، بچه ها را درگیر کند ، در ذهن آنها سؤال ایجاد کند و متنوع باشد . می تواند قطعه ای از یک فیلم، موسیقی ، تصویر ، لطیفه و ... باشد . اگر دانش آموزان به ازای هر واحد یادگیری یک شروع خوب از معلم ببینند ، درس برای آنها جذاب می شود و انگیزه برای یادگیری در دانش آموزان افزایش پیدا می کند . برای مثال برای شروع تدریس مبحث معادلات گویا در حسابان (۱) می توان فیلم یا تصاویری مرتبط با نسبت طلایی برای دانش آموزان به نمایش گذاشت .

احصای پیش دانسته ها

در هر واحد یادگیری ، نیاز به پیش دانسته هایی است که می توان آنها را با پرسش و پاسخ و... جمع آوری کرد و همسان نمود . البته گاهی نیاز است در قالب یک فعالیت ، پیش دانسته ها را یادآوری کنیم . توجه به پیش دانسته های دانش آموزان ، باعث صرفه جویی در وقت می شود و نیاز به تدریس مجدد مطالب قبلی نخواهد بود چون اگر بدون توجه به پیش دانسته ها مجدداً تدریس شوند ، کلاس برای دانش آموزان کسالت بار خواهد بود .

انتخاب الگوی تدریس

انتخاب الگوی تدریس مولفه ای است که توجه به آن فرآیند تدریس را جذاب تر می کند . گاهی در یک طراحی آموزشی طولانی و چند مرحله ای نیاز است از چند الگوی تدریس در موقعیت های مختلف استفاده شود . عدم آشنایی کامل با الگوی تدریس متنوع ، باعث می شود از الگوهای محدودی استفاده شود و لذا فضای تدریس ، تکراری و کسالت اور می شود . الگوهای تدریس در واقع حاصل تجربیات موفق معلمان است که به صورتی قابل تعلیم در می آیند و از آنها می توان برای تدریس موضوعات مختلف درسی استفاده کرد .

یادگیری فعال، تولید مفهوم توسط یادگیری

این مولفه بعد از تعیین هدف از جنس شایستگی ، مهمترین مولفه طراحی آموزشی به حساب می آید . در حقیقت ، یادگیری زمانی اتفاق می افتد که یادگیری در ذهن یادگیرنده اتفاق می افتد . ما معمولاً یک سری مطالب را به شکل سخنرانی در کلاس ارائه می کنیم و توقع داریم دانش آموز تمام

مفهوم را در ذهن خود ساخته و مطلب را به طور کامل یادبگیرد و هر جا نیاز به آن مفهوم بود آن را به کار بگیرد، اما در عمل این اتفاق نمی افتد. چون در سخنرانی، یادگیرنده اصلاً در گیر موضوع نمی شود و فقط حفظ می کند. ما باید سناریوی دقیق، گام به گام رشد دهنده و متناسب با هدف از نوع شایستگی طراحی کنیم تا خود دانش آموز پله پله راهنمایی شود، با موضوع در گیر شود و به مفهوم مورد نظر برسد. تولید مفهوم به صورت مشارکتی و با نظارت معلم ایجاد می شود که صبوری معلم را می طلبد. به خصوص در مورد مسائل ریاضی و هندسه که انتزاعی هستند و دریافت دانش آموزان با یکدیگر متفاوت است، زمان بر است. ما به عنوان معلم باید نقش راهنما و تسهیل گر را داشته باشیم و از اینکه مطالب را صریح و مستقیم در اختیار دانش آموزان قرار دهیم اجتناب کنیم.

یادگیری مشارکتی، اجتماعی و گروهی

مولفه هشتم، یادگیری مشارکتی، اجتماعی و گروهی است. برای شکل گیری گروه و فعالیت گروهی، معلم باید یک برنامه ریزی مناسب داشته باشد. از الگوهای تدریس متفاوتی می توان کمک گرفت، که یکی از آن ها الگوی جیگ ساو می باشد. در این روش، دانش آموزان به منظور دستیابی به یک هدف مشخص و برای اجرای کامل وظیفه محوله با یکدیگر همکاری می کنند. معمولاً دانش آموزان به تیم هایی برای مطالعه فصلی از یک کتاب درسی گروه بندی می شوند. در این روش، هر یک از یادگیرندگان، مسئولیت یادگیری و انتقال آن به دیگران را بر عهده می گیرد. نتایج بررسی پژوهش های مطالعه شده نشان می دهد که آموزش به روش استفاده از الگوی جیگ ساو موجب بهبود عملکرد تحصیلی، ارتقای سازگاری عاطفی - اجتماعی، ارتقای شاخص های شناختی و عاطفی ایجاد نگرش مثبت به درس و به خود، کاهش اضطراب درسی و ارتقای خود مختاری و شایستگی اجتماعی و روابط بین فردی و نیز یادگیری بهتر مهارت های زندگی می شود. استفاده از این روش تدریس در دروسی مانند درس اول فصل سوم کتاب ریاضی و آمار (۱) پیشنهاد می شود. این روش مربوط به روش های گرد آوری اطلاعات می باشد که مطالعه این بخش را می توان در قالب روش جیگ ساو به دانش آموزان واگذار کرد. البته لازم به ذکر است که در حین اجرای روش، ارزشیابی مستمر انجام دهیم که آیا دانش آموز مسئولیت فردی، گروهی و اجتماعی را به خوبی انجام می دهد یا خیر. علاوه بر فعالیتهای گروهی، در بخش های عملی و نظری دروس، می توان امتحانات گروهی نیز برگزار کرد.

سطوح بالاتر یادگیری

مولفه ی بعدی ، سطوح بالاتر یادگیری است . درآموزش ، فرآیند یاددهی - یادگیری باید به گونه ای پیش برود که دانش آموز احساس رشد داشته باشد . حتی با قدم های کوچک . نه اینکه احساس عجز کند . گاهی سؤالاتی به دانش آموزان داده می شود که بسیار فراتر از سطح آن هاست و بسیاری از دانش آموزان نمی توانند پاسخ دهند و احساس عجز می کنند . باید ارائه سؤالات از سطح آسان به مشکل باشد . از سؤالات مختلف در سطوح مختلف استفاده شود ، اما به این صورت نباشد که به جای احساس رضایت از مدرسه آمدن ، ناتوانی و ناامیدی در دانش آموز شکل بگیرد . چه از سطوح هفت گانه بلوم ، چه از طبقه بندی تجدید نظر شده بلوم ، چه از سطوح آزمون های تیمز و ... می توان استفاده کرد اما مرحله به مرحله و گام به گام پیش رویم . نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که گاهی معلم در تمریناتی که به دانش آموزان می دهد مسئله ای را پیچیده تر مطرح کند . این کار لزوماً دانش آموز را به سطوح بالاتر یادگیری نمی برد ، بلکه صرفاً سطح دشواری مطلب را بیش تر می کند و این روش مطلوب نیست . چون در احساس موفقیت دانش آموز تاثیر منفی می گذارد . مثلاً معلم ریاضی ، کسر مرکبی را میدهد و از دانش آموزان می خواهد که آن را ساده کنند ، این سطح اول یادگیری است . حال اگر معلم طبقات کسر را بیش تر کند ، دانش آموزان را به سطوح بالاتر یادگیری نبرده است بلکه فقط مسئله را برای آن ها دشوار تر کرده است . مسائل پیچیده دانش در سطح پایین یادگیری هستند و مسائل کاربردی و تجزیه و تحلیل و این که دانش آموزان خودشان بتوانند مسئله بسازند در سطوح بالای یادگیری هستند .

کاربست آموخته ها در موقعیت جدید

مولفه نهم ، کاربرست آموخته ها در موقعیت جدید است . در واقع باید موقعیتی که در کلاس درس خلق کردید . به موقعیتی در زندگی وصل کنید . برای مثال در تدریس چند ضلعی در درس هندسه (۱) بعد از اینکه در مورد چند ضلعی ها و ویژگی های آن ها و ... در کلاس درس بحث شد از دانش آموزان بخواهیم در سطح شهر یا استان خود از سازه ها یا آثاری که از چند ضلعی ها در آن ها استفاده شده است مشاهده انجام داده و یافته های خود را در کلاس ارائه دهند . یا در تدریس مسائل رشد و زوال یا بهینه سازی ، برای یک موقعیت اقتصادی خانواده ، معادله ای طرح کرده و در کلاس ارائه دهند . هر چه این تعداد مثال ها و ایجاد موقعیت ها بیشتر باشد ، بچه ها یادگیرنده موثرتری هستند و بهتر می توانند در زندگی از درس ها استفاده کنند .

توجه به تفاوت های فردی

مولفه دهم، توجه به تفاوتها فردی است. وجود تفاوتها ی فردی دانش آموزان با یکدیگر در زمینه انواع هوش، سبک یادگیری، استعداد تحصیلی، بستر فرهنگی و اجتماعی خانواده، میزان دانسته های قبلی به ویژه علائق و توانمندی های گوناگون سبب می شود که یک نسخه واحد برای همگان، بهترین نتیجه را به همراه نداشته باشد. از این رو لازم است در طراحی آموزش وجود فعالیتهای موازی انعطاف پذیر پیش بینی شود.

اولین قدم شناخت است. باید تفاوتهای فردی دانش آموزان را به رسمیت بشناسیم. قبلا هوش منطقی، ریاضی و IQ بیش تر مطرح بود ولی در حال حاضر انواع هوش مد نظر است. باید با انواع یادگیری آشنا باشیم. انواع مختلف یادگیری عبارتند از یادگیری مشاهده ای، یادگیری کلامی، یادگیری تصادفی، یادگیری نهفته، یادگیری اجتماعی و یادگیری حرکتی. بعضی از دانش آموزان بسیار علاقمند به کارهای عملی هستند و بعضی خیلی منفعل هستند و علاقه ای به کارهای عملی ندارند. ما باید در طراحی آموزشی به این تفاوتها توجه کرده و بخشی از بحث ها را عملی طرح کنیم و بخشی را نظری و بخشی ترسیم کردنی باشد و... ما باید برای تمام فعالیت های خود در کلاس درس از قبل برنامه بریزیم حتی به آنچه که می خواهیم روی تخته کلاس بنویسیم، به جزوه ها و سؤالات مد نظر و... فکر کنیم و تفاوتها مد نظر باشد و بخش ترسیمی، بصری، عملی، نظری و... را لحاظ کنیم. نباید انتظار داشته باشیم که که بازخورد همه یکسان باشد و در ارزشیابی با توجه به تفاوتهای فردی، سؤال مطرح کنیم.

در واقع اول از همه شناخت دانش آموزان مهم است و دوم اینکه با توجه به نوع تفاوتها، سبک های مختلف یادگیری مد نظر باشد و در نهایت در ارزشیابی نیز این تفاوتها را لحاظ کنیم، تا اعتماد به نفس دانش آموزان حفظ و تقویت شود.

رویکرد تلفیقی

از آنجایی که در دوره دوم متوسطه درس ها تخصصی تر می شود، برای طراحی آموزشی با رویکرد تلفیقی ابتدا باید یک واحد یادگیری که کاربردی تر است را انتخاب کرد. هر طراحی آموزش برای تلفیقی بودن نیاز به یک تم (زمینه) دارد که آموزش حول آن صورت می گیرد که با زندگی نیز در ارتباط است. اگر بتوانیم تلفیق را وارد آموزش کنیم در حقیقت از آموزش پیشرفته استفاده کرده ایم. در طراحی آموزش با بهره گیری از رویکرد تلفیقی، مرزهای بین ساحت های شش گانه رشد و تربیت (ساحت دینی و اخلاقی، ساحت عملی و فناورانه، ساحت اجتماعی و سیاسی، ساحت زیستی و بدنی، ساحت اقتصادی و حرفه ای و ساحت زیبایی شناسی و هنری) رنگ می بازد و امکان پوشش دادن

به دو یا چند حوزه تربیت و یادگیری در یک زمان فراهم می شود. از بین روش های مختلف تلفیقی استفاده از یادگیری زمینه محور و رویکرد تماتیک در سازمان دهی محتوای یادگیری از روش های پیشرفته برنامه ریزی درسی به شمار می آید. در این نوع طراحی آموزش یک موضوع مناسب و دارای قابلیت کافی به عنوان تم یا زمینه یادگیری در مرکز قرار می گیرد و پیرامون آن مباحث مختلف مرتبط با آن بسط داده می شود. موضوعی که به عنوان تم انتخاب می شود باید دارای اجزای منسجم مفهومی درونی و بازوهای ارتباطی بیرونی کافی و قابلیت عمق بخشی باشد. مثلاً در زمینه آموزش محیط زیست، آب یک تم مناسب است.

جلوه ارائه و ارزشیابی

دوازدهمین مولفه، جلوه ارائه و ارزشیابی است. این مولفه یکی از مهم ترین مولفه های طراحی آموزشی است. در واقع بعد از اینکه ما هدف از جنس شایستگی را تعیین کردیم باید مولفه ای طراحی کنیم که هدف را مورد سنجش قرار دهد.

هدف از نوع شایستگی ← ارزشیابی

باید ملاک های ارزشیابی را با دقت مشخص کنیم. در واقع سناریوی طراحی آموزش بعد از اینکه ملاک های ارزشیابی طرح شد، نوشته می شود؛ و سناریوی طراحی آموزشی مسیری است که ما را از هدف به ارزشیابی میرساند در طراحی ملاک های ارزشیابی، باید دقیقاً مشخص کنیم که خروجی باید چگونه باشد که متوجه شویم دانش آموز به هدف مورد نظر رسیده است و یادگیری اتفاق افتاده است

فعالیت های خارج از کلاس (کلاس معکوس)

در این مولفه، در واقع جای آموزش و تمرین عوض می شود. آموزش در خارج از کلاس درس اتفاق می افتد و تمرین در کلاس درس. از دانش آموزان می خواهیم تا مبحث درسی مورد نظر را در خارج از کلاس درس (در منزل) مطالعه کند و در کلاس درس، در زمانی که قرار بود به ارائه آن مبحث اختصاص داده شود، تمرین های مربوط به آن را حل کنیم. الزامی ندارد که دانش آموزان را به سمت رسانه ها، فضای مجازی و ... هدایت کنیم حتی می توان مطالب درسی را در قالب جزوه ارائه داد تا دانش آموز در خانه مطالعه کند. در بزنگاه هایی که فرصت کم هست می توان از روش کلاس معکوس استفاده کرد. برای بعضی مباحث درسی ریاضی می توان روش کلاس معکوس را استفاده کرد مانند مبحث گرد آوری اطلاعات در فصل چهارم کتاب آمار و احتمال یازدهم ریاضی.

فراشناخت

آخرین مولفه طراحی آموزشی فرا شناخت است. در پایان فرآیند یادگیری، نیاز است به دانش آموز فرصت داده شود که بازنگری انجام دهد. در واقع در این قسمت از دانش آموزان می خواهیم مسیری را که در فرآیند یادگیری طرح کردند، یک دور مرور کنند و خود ارزیابی کنند. نقاط ضعف و قوت خود را بیابند و ببینند که چه قسمتهایی را باید بیش تر تمرین کنند و یادگیرند و در چه قسمت هایی تسلط کافی دارند و ... شاید نیاز باشد معلم در ابتدای این بازنگری، همراه دانش آموز باشد ولی بعد از یکی دو بار، خود دانش آموز به تنهایی می تواند بازنگری و خود ارزیابی را انجام دهد.

جمع بندی

به طور کلی در یک طراحی آموزشی، ابتدا باید واحد یادگیری انتخاب شود. سپس اهداف در قالب شایستگی نوشته شود. پس از آن ملاکهای ارزشیابی و سنجش را مشخص کنیم. ۱۲ مولفه دیگر باقی می ماند که با توجه به سناریوی آموزشی مورد نظر، در هر واحد یادگیری از چند تا از این مولفه ها در طراحی آموزشی استفاده می کنیم.

منابع

امیری، کبری و امیری، مصطفی (۱۴۰۳). بررسی ضرورت های طراحی آموزشی، اولین همایش بین المللی آموزش و پرورش با رویکرد مدارس هوشمند، معلمان خلاق و دانش آموزان متفکر در افق ۱۴۰۴: بوشهر

شعبانی. حسن (۱۳۸۲). روش ها و فنون تدریس، انتشارات سمت: تهران

شمس الدینی، محمد (۱۴۰۳). تبیین اهمیت مداخله ای آموزش چند رسانه ای در ساختار طراحی آموزشی، اولین همایش ملی راهبردهای آموزشی و پژوهشی در آموزش و پرورش: اهواز

فرخ زاده، حکیمه (۱۴۰۳). هوش مصنوعی و طراحی آموزشی نوین، اولین همایش بین المللی آموزش و پرورش با رویکرد مدارس هوشمند، معلمان خلاق و دانش آموزان متفکر در افق ۱۴۰۴: بوشهر

منصوری جمشیدی، فتانه؛ گیلانی، مرضیه؛ شیری، رقیه و کولیوند، راضیه (۱۳۹۷). بررسی نقش طراحی آموزشی در سند تحول بنیادین جمهوری اسلامی ایران، چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران: تهران